

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – ۴ سپتمبر ۲۰۱۰

چارم سپتمبر یادآور جنایت هولناک قوای اشغالگر

آنچه زیر عنوان "قضیه قندوز" ورد زبان مطبوعات المان گردیده و از زمان وقوعش تا به امروز خاموش نمیگردد، از جمله صدها و هزاران جنایت دهشتبار قوای اشغالگر است که در طول نه سال تخت بر وطن و وطندارانم میروند و دردا که کس از آن :

از این گوش تا آن گوش خبر نمیشود!!! (۱)

از قضیه جانکاهی که طی آن قوای متجاوز ناتو در ولسوالی "چار دره" ولایت "قندوز"، دریائی از خون بیگناهان هموطنم را جاری ساختند، دقیقاً یک سال میگذرد. آری؛ یک سال پیش در همین روز:

شرح مختصر قضیه:

طالبان دو تانکر بنزین مربوط به قطعات المانی مستقر در ولایت قندوز را اختطاف کرده بودند. در هنگام عبور از دریای قندوز، هر دو موتر ثقیل بارکش در بستر نرم و ریگی دریا گور رفته و از حرکت بازماندند. چون طالبان صید خود را به هر قیمتی باید از بستر دریا بیرون می آوردند، در فکر تخلیه محتوا و محموله تانکرها شدند، که دهها هزار لیتر بنزین را احتواء میکرد. آسان ترین طریقه به نظرشان چنین رسیده بود، تا از اهالی محله دعوت کنند، که بیابند و مفت و رایگان تیل ببرند. چون شنیده بودند که در این ملک از قدیم گفته اند، که :

« از خانی سرکار تیل بریزه، دامننه بگی!!!! »

(از خانه سرکار تیل بریزد، دامننت را بگیر!!!!)

بدین ترتیب از مردم "چاردره" دعوت کردند، که بیابند و هرچه در توان دارند، تیل بگیرند و یک پیسه و دینار و شاهی هم نپردازند!!!! همان بود که مردم بی ضاعت محله، که به مانند اکثریت مطلق باشندگان این خاک پاک به نان شب و روز خود در مانده اند، با بیت و ستل و تنگ و دولچه و بوتل و آفتابه و دیگ و دیگچه و پاتله و ... و خلاصه هرچه از ظرف در دسترس داشتند، بدانجا شتافتند و مصروف گرفتن تیل گشتند. ایشان مصروف گرفتن "تیل مفت" بودند و غافل از چنگال "شاهین قضاء" و غافل از بیت معروف حضرت حافظ:

دیدي آن قهقهه کبک خرامان حافظ
که ز سرپنجه شاهین قضاء غافل بود

اهالی "چار دره" چون "کبکهای دری" در قهقهه "گرفتن تیل" بودند و خبر نداشتند، که "شاهینهای ناتو" در هوایند و بزودی زود، دمار از روزگارشان بدرمی آورند!!!!!!
شرح موضوع ضمن مقالات آتی این قلم به تفصیل آورده شده است:

- ۱ - "وحشیان ناتو باز جنایت آفریدند" : مؤرخ ۶ سپتمبر ۲۰۰۹ - صفحه هفتم سپتمبر ۲۰۰۹
 - ۲ - "دولت مستعمره از خود اراده ندارد" : مؤرخ ۱۰ سپتمبر ۲۰۰۹ - صفحه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۹
 - ۳ - "مورال دوگانه اشغالگران در افغانستان" : مؤرخ ۱۷ سپتمبر ۲۰۰۹ - صفحه ۱۸ سپتمبر ۲۰۰۹
 - ۴ - "توهین به خون قربانیان قندوز" : مؤرخ ۲۹ سپتمبر ۲۰۰۹ - صفحه ۳۰ سپتمبر ۲۰۰۹
 - ۵ - « بررسی فاجعه قندوز در "بوندس تاگ" » : مؤرخ ۲۶ نومبر ۲۰۰۹ - صفحه ۲۷ نومبر ۲۰۰۹
 - ۶ - « "حلاج المان" منصوروار زیر "دار" رفت » : مؤرخ ۳۱ می ۲۰۱۰ - صفحه اول جون ۲۰۱۰
- این مقالات بالتمام در آرشیف مطالب سیاسی و آرشیف معروفی در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" قابل دریافت اند :

بخاطر یادبود ازین فاجعه دردناک امروز در اکثر شهرهای المان تجمعاتی صورت گرفت. از جمله در "میدان پاریس" (Pariser Platz) برلین، یعنی در کنار "دروازه براندنبورگ" - در میان سفارتخانه های اتازونی و فرانسه. درین تجمع که به ابتکار "جنبش صلح" Friedensbewegung، حزب چپها Die Linke و دیگران دایر گردید و از ساعت ۱۴ تا ۱۵ و ده دقیقه بعد از ظهر دوام کرد، حدوداً یک صد و پنجاه نفر اشتراک کرده بودند؛ از جمله سی تا چل نفر افغان. جناب کریم پوپل، حقوقدان متعهد افغان مقیم شهر همبورگ که وکالت دفاع قربانیان قندوز را به عهده گرفته است، نیز در این تجمع دیده میشد. چند نفر سخنران از جنبش صلح و حزب چپها سخنرانی کردند. از محتوای بیانییه ها فقط به آوردن یک جمله اکتفاء میکنم. یکی از سخنرانان حزب چپها ضمن سخنان دیگر چنین گفت:

« اتازونی پلان تهاجم بر افغانستان را پیش از ماه سپتمبر ۲۰۰۱ و قبل از حادثه "ناین الون" Nine Eleven، آماده ساخته بود»

ترانه ها و نغمه هائی نیز که بدین مناسبت تصنیف شده بود، از لودسپیکرها بگوش میرسید. در مرکز ترانه های هیجان انگیز، شعری از شاعر و نویسنده شهیر قرن نوزدهم المان، "تئودور فونتان" Theodor Fontane (۲) با نوای ساز دکلمه گردید. این شعر فاجعه تباهی لشکر شانزده هزار نفری انگلیس را در سال ۱۸۴۱ تمثیل میکند، که در عرض راه کابل - جلال آباد مورد تهاجم غازیان و مجاهدان افغان قرار گرفته و به استثنای یک نفر داکتر، همه از دم تیغ رزم آوران خشمگین گذشته و به جهنم واصل گشته بودند.

و اینست آن شعر معروف "تئودور فونتانه":

Das Trauerspiel von Afghanistan

Der Schnee leis stäubend vom Himmel fällt,
Ein Reiter vor Dschellalabad hält,
"Wer da?" - "Ein britischer Reitersmann,
Bringe Botschaft aus Afghanistan."

Afghanistan! Er sprach es so matt,
Es umdrängt den Reiter die halbe Stadt,
Sir Robert Sale, der Kommandant,
Hebt ihn vom Rosse mit eigener Hand.

Sie führen ins steinerne Wachthaus ihn,
Sie setzen ihn nieder an den Kamin,
Wie wärmt ihn das Feuer, wie Iabt ihn das Licht,
Er atmet hoch auf und dankt und spricht:

"Wir waren dreizehntausend Mann,
Von Kabul unser Zug begann,
Soldaten, Führer, Weib und Kind,
Erstarrt, erschlagen, verraten sind.

Zersprengt ist unser ganzes Heer,
Was lebt, irrt draußen in Nacht umher,
Mir hat ein Gott die Rettung gegönnt,
Seht zu, ob den Rest ihr retten könnt."

Sir Robert stieg auf den Festungswall,
Offiziere, Soldaten folgten ihm all',
Sir Robert sprach: "Der Schnee fällt dicht,
Die uns suchen, sie können uns finden nicht.

Sie irren wie Blinde und sind uns so nah,
So laßt sie's hören, daß wir da,
Stimmt an ein Lied von Heimat und Haus,
Trompeter blast in die Nacht hinaus!"

Da huben sie an und sie wurden's nicht müd',
Durch die Nacht hin klang es Lied um Lied,
Erst englische Lieder mit fröhlichem Klang,
Dann Hochlandslieder wie Klagegesang.

Sie bliesen die Nacht und über den Tag,
Laut, wie nur die Liebe rufen mag,
Sie bliesen - es kam die zweite Nacht,
Umsonst, daß ihr ruft, umsonst, daß ihr wacht.

Die hören sollen, sie hören nicht mehr,
Vernichtet ist das ganze Heer,
Mit dreizehntausend der Zug begann,
Einer kam heim aus Afghanistan.

به یقین که گزارشگران پورتال در زمینه گزارشی تقدیم خواهند کرد.
ضمن مقاله ای مستقل از کارنامه "تئودور فونتانه" سخن رفته و ترجمه این شعر هم تقدیم خواهد گردید.

توضیحات:

- ۱ - "ازین گوش تا آن گوش خبر نشدن" اصطلاح دری مردم کابل است و به حالتی گفته شود، که کاری خپ و چُپ صورت بگیرد و هیچ کس از آن مطلع نگردد!!!
- ۲ - "تئودور فونتانه" بتاريخ ۳۰ دسمبر ۱۸۱۹ در شهرک "نوی روپین" Neuruppin زاده شده و به تاریخ ۲۰ سپتمبر ۱۸۹۸ در برلین رخ در نقاب خاک کشید و در همین شهر عالیجاه بخاک سپرده شد.